

## بررسی اجتماعی - شناختی کتاب ششم آموزش زبان فارسی ویژه غیرفارسی‌زبانان

### در جامعه‌المصطفی‌العالمیه

حمیده بنیادی<sup>\*۱</sup>، بلقیس روشن<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. استاد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵

دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷

## Socio-cognitive Study of the Sixth Grade Book of Teaching Persian to Non-Persian Speakers at Al-Mustafa International University

Hamideh Bonyadi<sup>\*1</sup>, Belghis Rovshan<sup>2</sup>

1. Ph.D. Candidate of Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran.

2. Professor of Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Received: 2019/07/07

Accepted: 2021/01/04

### Abstract

This is a fundamental research whose method is content analysis. It attempted to examine some cognitive and social elements of the texts of *Teaching Persian Language in Persian (6<sup>th</sup> book)* (Islamic Language and Education Training Center, 1395) for non-Persian learners of Al-Mustafa International University in the framework of cognitive sociolinguistics. The unit of analysis was "sentence" and all of the texts were examined. To do this, all sentences containing image schemas were extracted from among the 1150 sentences existing in the book while availing from Johnsons' 1987 research. Then, from among these (430) sentences, 400 ones containing social variables were extracted and analyzed. In these sentences, the image schemas of "movement", "force", "collection" and "content" made the most metaphorical conceptualization, and the image schemas of "link", "merging" and "attraction" had the least frequency in the texts. Besides, social variables of "religion", "power", "politeness", "correlation" and "dignity" played a great role in creating metaphorical systems. Moreover, the results indicated how the texts were influenced by the type of audience, the purpose of learning the Persian language, and the writers' style and attitude.

**Key Words:** Cognitive sociolinguistics, Image schema, Social variable, Teaching Persian to non-Persian speakers, Al-Mustafa International University.

### چکیده

پژوهش حاضر بنیادی و از نوع تحلیل محتواست و سعی دارد در چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی به بررسی برخی عناصر شناختی و اجتماعی متون موجود در *آموزش زبان فارسی به فارسی (کتاب ششم)* (مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی، ۱۳۹۵) ویژه غیرفارسی‌زبانان بپردازد که در دانشگاه جامعه‌المصطفی‌العالمیه آموزش داده می‌شود. واحد تحلیل "جمله" و داده‌ها به شیوه اسنادی و تمام‌شماری استخراج شده است. به این منظور، از میان ۱۱۵۰ جمله موجود در این کتاب، جملات حاوی طرح‌واره‌های تصویری پیشنهادی جانسون (۱۹۸۷)، ۴۳۰ جمله استخراج شد. سپس، از این میان جملات حاوی متغیرهای اجتماعی (۴۰۰ عدد) مشخص و چگونگی تعامل طرح‌واره‌ها و متغیرهای اجتماعی و همگرایی و تلفیق آنها بازنمایی گردید. نتایج نشان دادند که طرح‌واره‌های تصویری «حرکت»، «نیرو»، «مجموعه» و «حجم» بیشترین درک استعاری را مفهوم‌سازی می‌کنند و طرح‌واره‌هایی چون «ارتباط»، «اتحاد» و «جذب» کمترین سهم را دارند. همچنین، متغیرهای اجتماعی «مذهب»، «قدرت»، «نزاکت»، «همبستگی» و «منزلت» بیشترین مشارکت را در ایجاد نظام‌های استعاری دارند. تأثیرپذیری محتوای کتاب از نوع مخاطب، هدف از یادگیری زبان فارسی و سبک و نگرش نویسندگان از دیگر دستاوردهای این پژوهش است.

**کلیدواژه‌ها:** زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی، طرح‌واره تصویری، متغیر اجتماعی، آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، جامعه‌المصطفی‌العالمیه.

## مقدمه

زبان، بررسی تنوع زبانی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی از مهم‌ترین مفروضات به‌شمار می‌رود. بر اساس این نگرش، زبان‌شناسی اجتماعی در بطن زبان‌شناسی شناختی جای دارد و بر تفکر و تمرین تأثیرگذار است.

دو ویژگی مهم کاربردی بودن و تنوع زبانی را می‌توان حلقه ارتباطی بین دو رویکرد زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی معرفی کرد. همگرایی بین این دو رویکرد توانسته است چشم‌انداز جدیدی در پژوهش‌های زبانی خلق نماید و منجر به پیدایش رویکردی نوین به نام «زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی»<sup>۴</sup> در بطن مطالعات زبان‌شناسی شناختی شود و بر غنای آن بیفزاید. گیراتز<sup>۵</sup>، کریستین سن<sup>۶</sup> و پیرسن<sup>۷</sup> (۲۰۱۰) معتقدند که این رویکرد با توجه به ابزارهایی که زبان‌شناسی شناختی در اختیار پژوهشگران می‌گذارد به بررسی تنوعات زبانی و متغیرهای اجتماعی همچون طبقه اجتماعی، قدرت، نزاکت، جنسیت، سن، مذهب و در مجموع آنچه که معرف هویت یک جامعه زبانی است، می‌پردازد.

هدف اصلی در پژوهش حاضر تحلیل محتوای کتاب *آموزش زبان فارسی به فارسی (کتاب ششم)* (مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی، ۱۳۹۵) از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی با بهره‌گیری از طرح‌واره<sup>۸</sup> تصویری<sup>۸</sup> به‌عنوان یک مؤلفه شناختی، متغیرهای اجتماعی و تعامل این دو است. این کتاب ویژه طلاب غیرفارسی‌زبانی است که در دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه مشغول به تحصیل هستند. نگارندگان بر آن هستند تا با بازنمایی و تأکید بر همگرایی دو رویکرد زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی و توجه به عملکرد ساختارهای ذهنی و تنوع زبانی به تحلیل متون نوشتاری این کتاب بپردازند. تحلیل محتوای متون آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان از این حیث که تلفیق سازوکارهای شناختی با اجتماع و فرهنگ را مورد بازنمایی قرار می‌دهد، بسیار با اهمیت است و از آنجاکه تحلیل متون نوشتاری از منظر زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی تا کنون صورت نگرفته است، این پژوهش کاری نو و ضروری به‌شمار می‌آید. در این پژوهش ضمن تحلیل و بازنمایی جمله‌ها بر اساس دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی، سعی بر آن است به چهار پرسش پاسخ داده شود: (۱) چه میزان از جمله‌های این کتاب بر اساس نظام‌های

کتاب‌های درسی یکی از اصلی‌ترین منابع یادگیری در مقاطع مختلف آموزشی محسوب می‌شوند. در ایران بیشتر فعالیت‌های آموزشی در چارچوب کتاب‌های درسی صورت می‌پذیرد. یکی از انواع کتاب‌های درسی که از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان است که در دانشگاه‌های بین‌المللی آموزش داده می‌شوند. این کتاب‌ها از این حیث که علاوه بر آموزش زبان فارسی، نقش عمده‌ای در معرفی و آموزش فرهنگ کشورمان، ایران، دارند از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در میان فارسی‌آموزان افرادی هستند که از اقصی نقاط جهان به‌منظور آموزش علوم دینی و آشنایی با معارف و آموزه‌های اسلامی به ایران آمده‌اند و در دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه که در چندین شهر از جمله قم، تهران و گرگان شعبه دارد، مشغول به تحصیل هستند. در جامعه المصطفی این اهداف در بستر زبان فارسی به پیش برده می‌شود. از این‌رو، یادگیری زبان فارسی در کنار آموزه‌های اسلامی برای طلاب غیرفارسی‌زبان بسیار کاربردی و ضروری است. این ضرورت باعث شده است که صاحب‌نظران و پژوهشگران متعددی به‌منظور بهبود کیفیت محتوا، از دیدگاه‌های مختلف و با اهداف گوناگون به تحلیل کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان بپردازند. نتایج حاصل از این بررسی‌ها به مؤلفان و برنامه‌ریزان کتاب‌های درسی کمک می‌کند تا در تهیه، تدوین و انتخاب کتاب‌های درسی تصمیمات صحیح‌تری اتخاذ کنند. زبان‌شناسان شناختی و زبان‌شناسان اجتماعی از جمله پژوهشگرانی هستند که در این راستا، متون درسی را مورد بررسی قرار داده‌اند. از آنجا که در تحلیل کتاب‌های آموزشی بهتر است از تحلیل‌های تک‌بعدی اجتناب شود، در پژوهش حاضر سعی شده است با پیوند دو رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی<sup>۱</sup> و زبان‌شناسی شناختی<sup>۲</sup> به بررسی متون یکی از کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان پرداخته شود.

در زبان‌شناسی شناختی، جدایی‌ناپذیر بودن زبان و فرهنگ اصلی اساسی محسوب می‌شود. در این رویکرد زبان در ذهن و آیین تفکرات بشری است. همچنین، توجه به زبان در جامعه و پیوند آن با متغیرهای اجتماعی<sup>۳</sup> امری بدیهی و مسلم است؛ بدین معنا که زبان ذاتاً کاربردی‌نهاد است. در رویکرد کاربردی‌نهاد

4. cognitive sociolinguistics  
5. D. Geeraerts  
6. G. Kristensen  
7. Y. Peirsman  
8. image schema

1. sociolinguistics  
2. cognitive linguistics  
3. social variables

احمد<sup>۱</sup> و ناریسی‌کامیز<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) به بررسی و تحلیل محتوای نمودهای فرهنگی در کتاب‌های درسی پاکستان پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که مؤلفانی که فرهنگ زبان‌های اول و دوم را در کتاب‌های درسی منعکس می‌کنند می‌بایست متعلق به هر دو فرهنگ باشند.

لی<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) به تحلیل کتاب‌های آموزشی زبان انگلیسی کشور ژاپن از منظر زبان‌شناسی اجتماعی پرداخته است. او عناوین خطاب نسبت بیان مرد در مقایسه با زن، اختصاص واژگان به جنسیت خاص، ترتیب ذکر مطالب مربوط به زن و مرد، خنثی بودن و انواع فعالیت‌های مربوط به زنان و مردان را در این کتاب‌ها مورد بررسی قرار داده است. به اعتقاد وی گرچه این کتاب‌ها از نظر جنسیتی خنثی به نظر می‌آیند، اما از لحاظ تعصب جنسیتی از حیث اول بودن، مردان برتری داشتند. همچنین نقش زنان در محتوای کتاب کم‌رنگ است و تصویری کلیشه‌ای از آنان به نمایش گذاشته شده است.

در تحلیل کتاب‌های درسی، به‌ویژه از منظر زبان‌شناسی شناختی، نمی‌توان تک‌بعدی عمل کرد و از تأثیراتی که محیط و اجتماع بر ساختارهای شناختی و زبانی وارد می‌سازند غفلت نمود. تمامی پژوهش‌های مورد بحث در این قسمت فقط از یک بعد (شناختی یا اجتماعی) کتاب‌ها را تحلیل کرده‌اند و این با ماهیت زبان‌شناسی شناختی چندان سازگار نیست.

### ب: پژوهش‌های مربوط به زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی

زندگی و احمدی (۱۳۹۷) به مطالعه یک حوزه میان‌رشته‌ای با عنوان «نام‌شناسی اجتماعی-شناختی» پرداخته‌اند. آنها معتقدند نام‌شناسی اجتماعی-شناختی زیرمجموعه زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی است که تصور کاربرد بنیاد از زبان، تنوع درون‌زبانی و بین‌زبانی، مقوله‌بندی و سرنمون‌ها، الگوی فرهنگی، معنی اجتماعی و اثر متقابل زبان، فرهنگ، وایدئولوژی، جزء مفاهیم بنیادین آن هستند. از نظر آنها در زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی، زبان ساختاری اجتماعی دارد و قسمتی از شبکه شناختی است که اطلاعات ما در مورد افراد، گروه‌های اجتماعی و روابط اجتماعی تشکیل‌دهنده جامعه را دربردارد و از طریق پیوند میان دانش زبانی و دانش اجتماعی می‌توان واژه‌ها و ساختارهای زبانی را به گونه‌ای انتخاب کرد که هماهنگ با شرایط بافتی جامعه باشند. به باور آنها با یک رویکرد تلفیقی، می‌توان نام‌شناسی را از

استعارای مفهوم‌سازی شده‌اند؟ (۲) چه میزان از طرح‌واره‌های تصویری به‌عنوان مؤلفه‌های شناختی در این کتاب به‌کار رفته است، انواع آن کدامند و کدام نوع بیشترین سهم را دارد؟ (۳) چه میزان از متغیرهای اجتماعی و تنوعات زبانی در بازنمودهای شناختی مشارکت داشته‌اند، انواع آن کدامند و کدام متغیر سهم بیشتری دارد؟ (۴) چه میزان از جمله‌های این کتاب در بستر زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی قرار دارند؟

در ادامه، ابتدا به معرفی پیشینه، مبانی نظری و روش‌شناسی تحقیق پرداخته می‌شود. سپس، یافته‌های تحقیق ارائه می‌شوند و در نهایت، به نتیجه‌گیری و بحث و ارائه پیشنهادات پرداخته می‌شود.

### پیشینه تحقیق

در این بخش پیشینه مطالعات از دو بُعد بررسی می‌شود: نخست، برخی از پژوهش‌های زبان‌شناختی کتاب‌های درسی و سپس، برخی از پژوهش‌هایی که در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی صورت گرفته‌اند.

### الف) پژوهش‌های زبان‌شناختی کتاب‌های درسی

سبزواری و محمدی (۱۳۹۳) ضمن نقد کتاب‌های زبان فارسی دوره متوسطه دو، اشاره کرده‌اند که این کتاب‌ها کاستی‌های بسیاری دارند که باعث دور شدن دانش‌آموزان از اهداف آموزش و پرورش می‌شود. به‌علاوه، محتوای آموزشی این کتاب‌ها، غیر از پر حجم بودن، دارای نارسایی‌ها و اشکالات زبان‌شناختی است. آنها در این مطالعه به نقش تنوع زبانی در ساختار شناختی اشاره‌ای نکرده‌اند.

زندگی، روشن، قاسم‌پور و باباسالاری (۱۳۹۴) به تحلیل محتوای زبان‌شناختی استعاره کارکردی در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی پرداخته‌اند. آنها معتقدند استفاده از استعاره وجودی باید در مراحل اولیه که دانش‌آموزان اطلاعات اندکی در زمینه مفاهیم دارند انجام شود و سپس به تناسب سن، به دلیل افزایش رشد شناختی از میزان آنها کم‌تر شود و از استعاره‌های پیچیده‌تر استفاده گردد.

بنیادی (۱۳۹۴) به بررسی طرح‌واره‌های تصویری در کتاب فارسی کلاس هشتم در چارچوب رویکرد جانسون (۱۹۸۷) پرداخته است. او معتقد است کاربرد متعدد و متنوع طرح‌واره‌های تصویری و مطابقت آنها با نظریه رشد شناختی، مبین این حقیقت است که مؤلفان در پرورش و رشد خلاقیت و تفکرات انتزاعی دانش‌آموزان این مقطع اهتمام لازم را مبذول داشته‌اند.

1. F. Ahmed  
2. M. F. Nancy-Combes  
3. J. F. K. Lee

نتایج حاصل بیان‌گر آن است که گونه‌های محلی با هویت‌بخشی به گویشوران خود، احساس وفاداری آنها را نسبت به شهر بومی و گونه محلی‌شان تقویت کرده و در ایجاد همبستگی در محفل خانواده و دوستان نقش پررنگی داشته است، درحالی‌که در محیط‌های آموزشی، شغلی، کوچه و بازار، رسانه‌ها و در گفتار افراد تحصیل‌کرده، تسلط با گونه معیار است. اگرچه همبستگی و منزلت اجتماعی هر دو به کاربرد گونه معیار نسبت داده می‌شوند، اما حس صمیمیت و حس تعلق گویشوران گونه‌های غیرمعیار را پویا نگاه می‌دارد. رابینسون<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) معتقد است شرایط محیطی و متغیرهای اجتماعی بر ظهور معنای جدید تأثیرگذارند، زیرا نحوه مفهوم‌سازی و درک افراد متأثر از فرهنگ و طبقه اجتماعی آنها می‌باشد. به باور او هر دو عامل شناختی و اجتماعی در کنار هم در این تغییرات معنایی نقش دارند.

### چارچوب نظری

در این قسمت به معرفی زبان‌شناسی شناختی، زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی می‌پردازیم.

**زبان‌شناسی شناختی:** از نظر زبان‌شناسان شناختی، تجربه‌هایی که انسان از جهان اطراف خود کسب می‌کند در ذهن به صورت مفاهیم ذخیره می‌شود و مهم‌ترین کاربرد آنها در تفکر است. در این رویکرد، زبان بخشی از شناخت عام انسان در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر این، ساختار نظام‌مند زبان بازتاب یک ساختار نظام‌مند در درون نظام مفهومی<sup>۳</sup> ما تلقی می‌گردد و «نحوه ساخت‌مندی ذهن را می‌توان، تا حدی، بازتاب نحوه ساخت‌مندی و سازمان‌دهی جهان (از جمله تجربه اجتماعی-فرهنگی ما) تغییر کرد» (اوانز<sup>۴</sup> و گرین<sup>۵</sup>، ۱۳۹۸: ۲۵). از این دیدگاه، «ساخت‌های معنایی، مانند دیگر حوزه‌های شناختی، بازنمودی از مقولات ذهنی‌ای هستند که از طریق تجربیات انسان شکل می‌گیرند. بنابراین، معنا مبتنی بر ساخت‌های مفهومی قراردادی شده است.» (صفوی، ۱۳۹۰: ۳۶۶-۳۶۷).

معنی‌شناسی شناختی<sup>۶</sup> یکی از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی شناختی است که استعاره‌های مفهومی<sup>۷</sup> از مباحث کلیدی آن هستند. نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)

یک دانش تک‌رشته‌ای به دانشی میان‌رشته‌ای تبدیل کرد؛ به‌گونه‌ای که به طور هم‌زمان «ابعاد اجتماعی-شناختی» مؤثر در نام‌گذاری به‌خوبی تبیین شوند.

یورابراهیم (۱۳۹۷) نقش استعاره را در تولید و درک نظام اجتماعی-گفتمانی نهج/البلاغه از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی بررسی کرده است. وی عبارات استعاری مربوط به «شتر» را از متن نهج/البلاغه استخراج کرده و نشان داده است که بر اساس چه ویژگی‌هایی حوزه مبدأ شتر در خدمت نظام اجتماعی در نهج/البلاغه قرار می‌گیرد. نتایج حاصل حاکی از آن است که از اجزاء معنایی حوزه شتر، تنها از رفتار شتر و ارتباط انسان برای ایجاد نظام اجتماعی استفاده شده است. همچنین، مفاهیم موجود در حوزه شتر برای خلق و درک مسائل اجتماعی، اعم از اخلاقی و سیاسی، همچون مرگ، گناه، جهاد، به‌طور منسجم بهره‌برداری شده است.

دبیرمقدم، یوسفی‌راد، شقاقی و متشرعی (۱۳۹۷) مبانی اصلی رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی را معرفی کرده‌اند. آنها بر این نکته تأکید کرده‌اند که حلقه ارتباطی بین رویکرد زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی دو ویژگی بنیادین زبان، یعنی کاربردمحور بودن و تنوع اجتماعی آن، هستند و تنها راه مطالعه نظام‌مند تنوعاتی که ابعاد اجتماعی مختلف را دربرمی‌گیرند، لزوماً تجزیه و تحلیل تجربی است. به اعتقاد آنها این رویکرد با مطالعه عوامل متنوع اجتماعی، همچون سن، جنسیت و جغرافیا، که به‌طور کلی هویت یک جامعه زبانی را تشکیل می‌دهند، تلاش می‌کند با کمک امکاناتی که در زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی وجود دارد، به بررسی و درک هر چه بیشتر زبان نایل آید.

کولر<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) بازنمودهای اجتماعی-شناختی برند شرکت‌ها و تأثیر آن در گفتمان شرکت‌ها را بررسی کرده است. او سه استعاره «تغذیه»، «رفاقت» و «رقابت یا ستیز» را در منشور شرکت‌ها تحلیل کرده است. کولر معتقد است استعاره‌ها، حتی استعاره ستیز، می‌توانند برای رسیدن به هدف همکاری باشند و شرکت‌ها علاوه بر ورود به حریم خصوصی روابط عاطفی گفتمان‌ها و ارتباطات شخصی و سودآوری برای خود، برندها را به‌گونه‌ای معرفی می‌کنند که گویی حمایت عاطفی و هم‌گرایی و اجتماع‌پذیری دارند.

مدرسی و مظفری (۱۳۹۷) شأن اجتماعی تنوعات گونه‌ای زبان فارسی را در قالب متغیرهای همبستگی و منزلت اجتماعی در چند شهر استان فارس بررسی کرده‌اند.

2. J. Robinson  
3. conceptual system  
4. V. Evans  
5. M. Green  
6. cognitive semantics  
7. conceptual metaphors

1. V. Koller

در پژوهش حاضر برای تحلیل داده‌ها از طرح‌واره‌های تصویری به عنوان مهم‌ترین ابزار یا مؤلفه شناختی استفاده می‌شود.

**زبان‌شناسی اجتماعی:** ویژگی اجتماعی زبان آن را با بسیاری از پدیده‌ها، وقایع و متغیرهای اجتماعی-فرهنگی پیوند می‌دهد و این همبستگی به قدری است که برخی زبان را انعکاس پدیده‌ها و دگرگونی‌های مختلف اجتماعی-فرهنگی تلقی می‌کنند (مدرسی، ۱۳۹۱: ۱۹-۲۳). مدرسی (همان: ۳۳) می‌افزاید که لبوا از نخستین زبان‌شناسانی است که با بهره‌گیری از دو دیدگاه زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی، همبستگی میان متغیرهای زبانی و اجتماعی را به شکلی علمی و نظام‌مند نشان می‌دهد. وی «طبقه اجتماعی»، «جنسیت»، «قومیت»، «مذهب» و «تحصیلات» را مهم‌ترین متغیرهای اجتماعی تأثیرگذار در تنوعات و گوناگونی‌های زبانی معرفی کرده است.

وارداف (۱۳۹۳) معتقد است زبان‌شناسی اجتماعی، مطالعه کاربردهای اجتماعی زبان است. وی این دیدگاه را در پی کشف ارتباط بین عناصر زبانی و متغیرهای اجتماعی، یعنی مفاهیمی چون «قدرت»، «همبستگی»، «طبقه اجتماعی»، «جنسیت»، «هویت»، «قومیت»، «نژاد»، «فرهنگ»، «سن» و متغیرهای اجتماعی دیگر می‌داند.

**زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی:** بسیاری از زبان‌شناسان شناختی بر ضرورت اتخاذ رویکردهایی تأکید می‌ورزند که بتوانند موضوعات پژوهشی و روش‌شناسی‌های جامعه‌شناسی زبان و زبان‌شناسی شناختی را به هم نزدیک کنند (کریستین سن و دیرون، ۲۰۰۸: ۱). می‌توان گفت نخستین کتابی که نام *زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی* را مصطلح کرد، کتاب کریستینسن و دیرون است که در سال ۲۰۰۸ منتشر شده است (گیرارتز و همکاران، ۲۰۱۰: ۱). آنها با پیوند دو رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی شناختی، رویکردی را بنا نهاده‌اند که به بررسی ابعاد اجتماعی-شناختی زبان در کاربرد روزمره می‌پردازد. به اعتقاد کریستینسن و دیرون (۲۰۰۸) درک کامل‌تر از ماهیت کاربردبنیاد زبان تنها زمانی امکان‌پذیر است که مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی و فرهنگی در کنار عوامل شناختی مورد بررسی‌های نظام‌مند قرار گیرند. بنابراین، گویندگان، جایگاه آنان در جامعه و مشارکت آنها در نقش‌های اجتماعی متفاوت از اهمیت

استعاره را با توجه به شناخت بررسی می‌کند. آنها معتقدند استعاره مفهومی پدیده‌های بنیادین در مقوله‌بندی ما از محیط پیرامون و فرایندهای اندیشیدن ما است و به ساخت‌های بنیادین دیگری چون طرح‌واره‌های تصویری، فضاهای ذهنی و جز آن مربوط می‌شود.

جانسون (۱۹۸۷) در کتاب *بدن در ذهن*<sup>۱</sup> مبنای جسمانی معنا، تصور و منطق معنا را بر حسب ساختارهای تصویری بررسی می‌کند. وی طرح‌واره‌های تصویری را زاینده تجربه‌های فیزیکی معرفی می‌کند و می‌گوید طرح‌واره‌های تصویری، پایه‌های تجربی ملموس برای نگاشت‌ها در درک استعاری یک مفهوم انتزاعی هستند. جانسون با صحبت از طرح‌واره‌های تصویری نظریه استعاره مفهومی را کامل نموده و بیان می‌دارد که طرح‌واره‌های تصویری، ساختارهای دانشی هستند که مستقیماً از تجربه بدن مند و فرایند پیش مفهومی تکوین یافته و به شکل‌های گوناگونی بر درک استعاری از جهان تأثیر می‌گذارند. به بیان روشن و اردبیلی (۱۳۹۲: ۴۸) «طرح‌واره‌های تصویری مفاهیمی جزئی و انضمامی نیستند، بلکه مفاهیمی کلی و انتزاعی به‌شمار می‌روند. طرح‌واره‌ها الگوهای نوظهوری هستند که از تجربه‌های تکراری منتزع می‌شوند».

جانسون (۱۹۸۷) ۲۷ نوع طرح‌واره تصویری پیشنهاد می‌کند، که در جدول (۱) آمده‌اند.

**جدول ۱.** طرح‌واره‌های تصویری پیشنهادی جانسون (۱۹۸۷: ۱۲۶)

ردیف	طرح‌واره تصویری	ردیف	طرح‌واره تصویری
۱	حجمی/ظرف	۱۵	توده/تعداد
۲	حرکتی/مسیر	۱۶	دور/نزدیک
۳	نیرو/قدرت	۱۷	کل/جزء
۴	رفع مانع	۱۸	اتحاد
۵	مرکزیت	۱۹	شکافت
۶	چرخشی	۲۰	انطباق
۷	اجبار	۲۱	پر/خالی
۸	نیروی متقابل	۲۲	تکرار
۹	توانایی	۲۳	تماس
۱۰	جذب	۲۴	فرایند
۱۱	ارتباط	۲۵	سطح
۱۲	مقیاس	۲۶	شیء
۱۳	تعادل	۲۷	مجموعه
۱۴	موقعیت		

ویژه‌ای برخوردار است؛ به عبارت دیگر، در این نگرش درک ضمنی و صریح گویندگان از تنوع زبانی مورد توجه است. به اعتقاد گیراتز و همکاران (۲۰۱۰: ۲) در زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی، از یک سو به مطالعه گوناگونی معناها پرداخته می‌شود و از سوی دیگر، به مطالعه معنای گوناگونی‌ها. آنها معتقدند مدل زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی بر پایه دو اندیشه بنیادی بنا شده است: (۱) مطالعه معنای زبانی در زبان‌شناسی شناختی نقش اساسی بر عهده دارد، و (۲) معنا را باید در تعاملات و ارتباطات اجتماعی روزمره تعبیر کرد. این دو اندیشه بدین معنا هستند که اساس شناخت آدمی ریشه در اجتماع و فرهنگ دارد. به زعم آنها زبان‌شناسی شناختی کاربردینبیا است؛ از این حیث که از یک سو یک واقعیت اجتماعی است و از سوی دیگر، یک واقعیت شناختی محسوب می‌شود، زیرا افراد جامعه دارای بازنمایی ذهنی از قاعده‌های زبانی موجود هستند و با استفاده از این توانمندی می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. اولویت معنا (در زبان‌شناسی شناختی) و ویژگی ذاتی کاربردینبیا بودن زبان معرف خصوصیت‌هایی هستند که اصل و اساس نظام زبان‌شناسی شناختی محسوب شده و از حیث ارتباطشان با دیدگاه اجتماعی، تکامل درونی این نگرش را به میزان زیادی نشان می‌دهند (همان).

زبان‌شناسان شناختی دیگری همچون هیلن<sup>۱</sup>، تامرز<sup>۲</sup> و گیراتز (۲۰۰۸) و کرافت<sup>۳</sup> (۲۰۰۹)، به چیزی فراتر از ذهن افراد در ارتباط با زبان معتقدند. هیلن و همکاران (۲۰۰۸: ۱۲۳) معتقدند زبان‌شناسی شناختی به طور آرمانی از متغیرهای داخلی و خارجی در یک چارچوب نظری منسجم بنا شده است. این چارچوب همان زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی است که نه تنها شامل مطالعات در حوزه ساختار زبانی می‌شود، بلکه حوزه‌هایی همچون مباحث برنامه‌ریزی زبانی، مسائل سیاسی، برند شرکت‌ها و اموری را نیز که به حیطة آموزش و یادگیری زبان مربوط می‌شود، دربرمی‌گیرد.

به زعم کرافت (۲۰۰۹: ۱) کم‌توجهی به زبان به عنوان یک پدیده اجتماعی در رویکرد صرفاً شناختی نسبت به زبان، می‌تواند آثار سوئی دربرداشته باشد. به اعتقاد وی، مدل‌های شناختی بسیار درونی هستند و زبان‌شناسی شناختی برای موفقیت، باید به خارج از ذهن برود و با دیدگاه تعاملی-اجتماعی که از ویژگی‌های ذاتی زبان است، درآمیزد و از این

منظر نیز مطالعه گردد.

پوتز<sup>۴</sup>، رابینسون و ریف<sup>۵</sup> (۲۰۱۲: ۶) معتقدند در زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی فهم کامل از ماهیت کاربردینبیا بودن زبان هنگامی حاصل می‌شود که متغیرهای فرهنگی و اجتماعی، که وقایع کاربردی را شکل می‌دهند، به شیوه‌ای نظام‌مند در کنار مؤلفه‌های شناختی باشند. به زعم آنها، این رویکرد بر نگرش‌های آشکار و نهان سخنوران و ادراک آنها از دگرگونی‌های زبانی تمرکز دارد؛ دیدگاهی که به فرهنگ و هنجارهای اجتماعی به عنوان لایه بیرونی وقایع و رخداد‌های روزمره افراد می‌نگرد.

لانگاکر<sup>۶</sup> (۱۹۹۹: ۳۷۹) در باب این رویکرد می‌گوید «سخن از طبیعت پویای ساختار دستوری و مفهومی ما را در جهت پویایی گفتمان و تعاملات اجتماعی سوق می‌دهد؛ درحالی که این دو با هم از همان آغاز بخشی از دستور شناختی بوده‌اند». او گسترش زبان‌شناسی شناختی به حوزه گفتمان و تعاملات اجتماعی را امری ضروری می‌داند. پورا براهیم (۱۳۹۷) به نقل از پیرس دو الیویرا<sup>۷</sup> (۲۰۰۱) می‌نویسد که وی معتقد است برای عملکرد اجتماعی و فهم زندگی اجتماعی، می‌بایست از نظام‌های مفهومی بهره جست، زیرا زبان علاوه بر انعکاس نظام‌های مفهومی، جنبه‌های اجتماعی نظام‌های مفهومی را نیز انعکاس می‌دهد. از این رو، توصیف زبان از دیدگاه شناختی مستلزم تعبیر آن از منظر اجتماعی و فرهنگی است.

پیرس دو الیویرا (۲۰۰۱) نظر لیکاف<sup>۸</sup> را در هنگام تبیین مبانی زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی چنین بیان می‌کند:

«زبان ابزاری برای بیان و ارتباط است و می‌تواند برای مقاصد اجتماعی به کار رود و نشانه جایگاه اجتماعی نیز باشد. از سوی دیگر، ایدئولوژی عبارت است از یک نظام مفهومی از نوع خاص؛ به عنوان نمونه در یک نظام اخلاقی ممکن است ایدئولوژی جنبه خودآگاه یا ناخودآگاه داشته باشد. مثلاً اگر از فردی که دارای ایدئولوژی سیاسی است خواسته شود اعتقادات و باورهایش را بگوید، فهرستی از باورهای خود را به شما می‌دهد. اما یک زبان‌شناس شناختی آن‌چه را که وی می‌گوید بررسی می‌کند و به قالب‌های ناخودآگاه و استعاره‌هایی که ورای باورهای خودآگاه او قرار دارد، پی می‌برد.»

4. M. Putz  
5. M. Reif  
6. R. W. Langacker  
7. R. Pires de Oliveira  
8. G. Lakoff

1. K. Heylen  
2. J. Tummers  
3. W. Croft

## روش شناسی

این پژوهش از نوع بنیادی است و با استفاده از روش تحلیل محتوا صورت گرفته است. ابزار تحقیق چک‌لیست و واحد تحلیل «جمله» است. داده‌ها به شیوه اسنادی و تمام‌شماری از متون موجود در *آموزش زبان فارسی به فارسی (کتاب ششم)* (مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی، ۱۳۹۵) گردآوری شده‌اند که به‌عنوان کتاب پایانی و تکمیلی و پیشرفته‌ترین سطح آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در دانشگاه جامعه‌المصطفی العالمیه محسوب می‌شود. این کتاب شامل بخش مقدمه، ۲۰ درس با ۴۱ متن و در مجموع دارای ۱۱۵۰ جمله (با تقریب کم‌تر از ۱۰) می‌باشد. (تصاویر و تمرین‌ها جزء داده‌های قابل‌بررسی محسوب نشده‌اند).

نگارندگان برای تحلیل جمله‌ها از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی، ابتدا جمله‌های دربردارنده طرح‌واره‌های تصویری را به‌عنوان مهم‌ترین ساخت‌های شناختی و پایه‌های ملموس نگاهت‌های استعاری، استخراج و بر مبنای تقسیم‌بندی جانسون (۱۹۸۷) بررسی کردند و بدین ترتیب ۴۳۰ جمله به‌دست آمد. سپس، از بین این جمله‌ها، آن تعداد که حاوی متغیرهای اجتماعی مورد نظر زبان‌شناسان اجتماعی، نظیر مدرسی (۱۳۹۱) و وارداف (۱۳۹۳)، بودند، استخراج گردیدند و بدین ترتیب ۴۰۰ جمله حاوی طرح‌واره تصویری و متغیر اجتماعی گردآوری شد. در نهایت، همگرایی و تعامل دو رویکرد شناختی و اجتماعی با تأکید بر متغیرهای زبانی و تنوعاتی که ابعاد اجتماعی و فرهنگی را در برمی‌گیرند مورد بازنمایی قرار گرفتند.

در بخش بعد، به‌سبب محدودیت در حجم مقاله، برای معرفی چگونگی تحلیل داده‌ها، پنج جمله (که در بستر زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی هستند) به‌عنوان نمونه ارائه می‌شود و در آنها همگرایی و تعامل دو رویکرد زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی بازنمایی و مورد تفسیر و تحلیل قرار می‌گیرد.

## تحلیل داده‌ها

یافته‌های حاصل از بررسی کمی داده‌ها نشان می‌دهند که از مجموع ۱۱۵۰ جمله استخراج‌شده، ۴۳۰ جمله (۳۷٪) بر اساس نظام‌های استعاری مفهوم‌سازی شده‌اند و در ساختار آنها قریب به ۶۳۰ طرح‌واره تصویری در انواع مختلف نقش آفرینی کرده‌اند. از میان این ۴۳۰ جمله استعاری، ۴۰۰ جمله حاوی متغیرهای اجتماعی مختلف (تقریباً ۷۲۰ مورد)

هم بوده‌اند. در مطالعه حاضر، این دسته از جمله‌ها به‌عنوان جملات اجتماعی-شناختی مورد بررسی و تحلیل کیفی قرار گرفته‌اند. نتایج حاصل از بررسی کمی پژوهش در جدول شماره (۲)، و میزان و انواع طرح‌واره‌های تصویری و متغیرهای اجتماعی در جداول (۳) و (۴) نشان داده شده‌اند.

جدول ۲. بررسی کمی کتاب ششم آموزش زبان فارسی به فارسی

داده‌ها	تعداد
درس	۲۰
متن	۴۱
جمله	۱۱۵۰
جمله استعاری	۴۳۰
جمله اجتماعی-شناختی	۴۰۰
طرح‌واره تصویری	۶۳۰
متغیر اجتماعی	۷۲۰

جدول ۳. طرح‌واره‌های تصویری موجود در جمله‌های

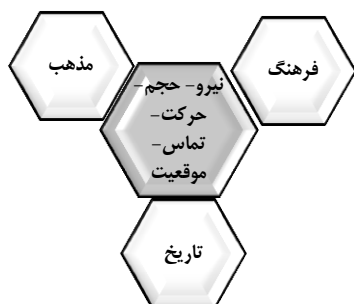
اجتماعی-شناختی.

ردیف	طرح‌واره تصویری	تعداد	درصد
۱	حجمی	۱۱۲	۱۸٪
۲	مجموعه	۹۶	۱۵٪
۳	حرکت	۹۳	۱۵٪
۴	نیرو/قدرت	۶۳	۱۰٪
۵	مقیاس	۳۵	۶٪
۶	شیء	۳۱	۵٪
۷	فرایند	۳۰	۵٪
۸	تماس	۲۴	۴٪
۹	ابزار	۲۳	۴٪
۱۰	سطح	۱۷	۳٪
۱۱	توده/تعداد	۱۴	۲٪
۱۲	پر/خالی	۱۳	۲٪
۱۳	شکاف	۱۰	۱٪
۱۴	موقعیت	۱۰	۱٪
۱۵	اجبار	۸	۱٪
۱۶	کل/جز	۷	۱٪
۱۷	دور/نزدیک	۷	۱٪
۱۸	انطباق	۵	۱٪
۱۹	چشایی	۵	۱٪
۲۰	نیروی متقابل	۴	۰/۵٪
۲۱	اعضای بدن	۴	۰/۵٪
	مجموع	۶۱۱	۹۷٪

جمله‌ها، ابتدا داده‌ها از منظر شناختی تفسیر و تحلیل خواهند شد. سپس با استخراج متغیرهای اجتماعی، تلاقی دو دیدگاه زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی مورد بازنمایی قرار خواهد گرفت.

۱. «آن چه باعث شد که این زبان (فارسی) در گذشته رنگ و بویی نوین پیدا کند، برخورد و هم‌سویی آن با فرهنگ غنی اسلام بود.» (مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی، ۱۳۹۵: ۹)

در نظام استعاری، درک ما از مفاهیم انتزاعی در قالب استعاره‌ها به صورت موقعیت فیزیکی، نیرو، حرکت و غیره شکل می‌گیرد. «علت، نیرو است» (کوچش<sup>۱</sup>، ۱۳۹۳: ۲۲۲)؛ بنابراین دلیل تغییر رنگ و بوی زبان فارسی، برخورد و هم‌سویی آن با مفهوم انتزاعی فرهنگ اسلام است. از طرفی «تغییر، حرکت است»؛ حرکت هم‌سویی زبان فارسی برای یافتن تغییر. طرح‌واره‌های تماس و موقعیت نیز در کلمات «برخورد» و «هم‌سویی» زبان با مفهوم انتزاعی فرهنگ نمود یافته‌اند. از دیدگاه اجتماعی «زبان فارسی» متغیر فرهنگ و «اسلام» متغیر مذهب است که در بستر تاریخ تغییر می‌پذیرد. بنابراین، طرح‌واره‌های نیرو، حجم، حرکت، تماس و موقعیت در تعامل با متغیرهای اجتماعی هویت، تاریخ و مذهب هستند.



شکل ۱. تعامل دو دیدگاه اجتماعی و شناختی در جمله شماره ۱

۲. «در ناباوری تمام، با قلبی لبریز از غم و اندوه، پیکر مطهر امام را در نزدیکی «بهشت زهرا» به خاک سپردند.» (همان: ۱۲۹)

در این جمله «قلب» ظرفی تصور شده است که می‌تواند پر از مفاهیم انتزاعی «غم و اندوه» باشد (طرح‌واره پر/خالی).

طرح‌واره‌های تصویری مرکزیت، توانایی، رفع مانع، تعادل و چرخشی هر کدام با ۳ مورد، طرح‌واره‌های تصویری ارتباط و جذب هر کدام با دو مورد و طرح‌واره اتحاد یک مورد (در مجموع ۳٪) جزء کمترین طرح‌واره‌های موجود محسوب می‌شوند. از میان ۲۷ طرح‌واره تصویری پیشنهادی جانسون (۱۹۸۷)، طرح‌واره تصویری تکرار یافت نشد. همچنین علاوه بر طرح‌واره‌های تصویری جانسون (۱۹۸۷)، سه طرح‌واره تصویری اعضای بدن، ابزار و چشایی نیز استخراج گردیدند.

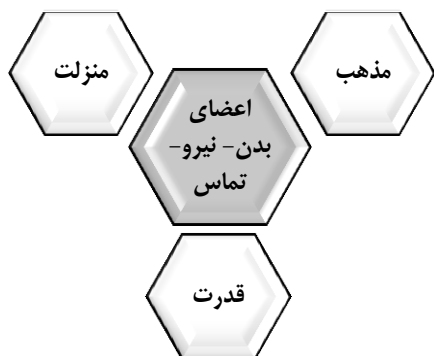
#### جدول ۴. متغیرهای اجتماعی موجود در جمله‌های اجتماعی-شناختی.

ردیف	متغیر اجتماعی			تعداد	درصد	
۱	مذهب/ نگرش مذهبی			۱۲۰	۱۶٪	
۲	قدرت			۸۰	۱۱٪	
۳	همبستگی			۷۳	۱۰٪	
۴	جنسیت	مونث	۴	۷۲	۱۰٪	
		مذکر	۶۸			
۵	فرهنگ			۶۸	۱۰٪	
۶	منزلت			۶۷	۹٪	
۷	طبقه اجتماعی			۵۶	۸٪	
۸	تاریخ			۴۵	۷٪	
۹	نام	زن	۳	۳۰	۴٪	
		مرد	۲۷			
۱۰	جغرافیا	شهر	ایرانی	۷	۲۸	۴٪
			خارجی	۱۱		
		کشور	ایران	۵		
			خارجی	۳		
مکان	۲					
۱۱	نام پیامبر (ص) و ائمه (ع)			۲۳	۳٪	
۱۲	نزاکت			۲۱	۳٪	
۱۳	شغل			۱۵	۲٪	
۱۴	سن			۸	۱٪	
۱۵	نسبت خانوادگی			۷	۱٪	
۱۶	ملیت	ایرانی	۲	۷	۱٪	
		خارجی	۵			
	مجموع			۷۲۰	۱۰۰٪	

در ادامه، به‌عنوان نمونه، پنج جمله که دارای مؤلفه‌های شناختی و اجتماعی بودند از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی تحلیل و بازنمایی می‌شوند. برای بررسی و تحلیل

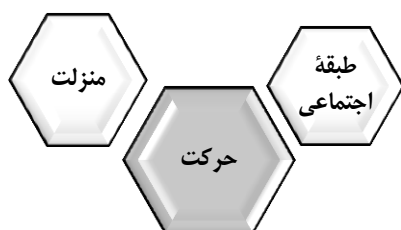


جمله به قدرت و برتری انسان در مقابل شیطان اشاره شده است. بنابراین، از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی طرح‌واره‌های اعضای بدن، نیرو و تماس در تعامل با متغیرهای اجتماعی، مذهب، منزلت و قدرت هستند.



شکل ۳. تعامل دو دیدگاه اجتماعی و شناختی در جمله شماره ۳

۴. «هر محصلی که بخواهد مدارج کمال را بیامد، باید بداند که چه وظیفه‌هایی در برابر استاد خود دارد.» (همان: ۶۷) در نظام مفهومی هدف، مسیر است. بنابراین «کمال» هدف است و برای کسب آن باید پله‌به‌پله حرکت کرد (طرح‌واره حرکت). از دیدگاه اجتماعی با دو طبقه اجتماعی استاد و محصل مواجه هستیم. همچنین، این جمله بیان‌کننده منزلت و قدرت استاد است. بنابراین، از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی طرح‌واره حرکت در تعامل با متغیرهای اجتماعی منزلت و طبقه-اجتماعی است.



شکل ۴. تعامل دو دیدگاه اجتماعی و شناختی در جمله شماره ۴

۵. «شهادت امام حسین (ع) در کربلا لرزشی در حکومت بنی‌امیه به‌وجود آورد و مردم را نسبت به بنی‌امیه دشمن و بدبین ساخت و راه را برای حکومت «عباسیان» باز نمود.» (همان: ۵۸) در ساختار مفهومی نظام‌های انتزاعی پیچیده همچون

علاوه بر این، با طرح‌واره توده نیز مواجه هستیم؛ زیرا واژه «تمام» اشاره به میزان عظیمی از مفهوم انتزاعی «ناباوری» دارد. از دیدگاه اجتماعی، این جمله واقعه تاریخی رحلت امام خمینی (ره) را، که یک رهبر سیاسی-مذهبی بودند، بیان می‌کند. همچنین، عبارت «بهشت‌زهرها» ناظر بر یک ماهیت مذهبی است. غم و اندوه ناشی از این رحلت نشان از شأن و منزلت فرد متوفی دارد. کاربرد عبارت «پیکر مطهر» نشان از متغیر نزاکت است. واژه «امام» نیز ناظر بر متغیرهای جنسیت، قدرت، نزاکت، منزلت و مذهب است. بنابراین، از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی، طرح‌واره‌های تصویری پر/خالی و توده در تعامل با متغیرهای اجتماعی مذهب، سیاست، تاریخ، جنسیت، نزاکت، منزلت و قدرت هستند.



شکل ۵. تعامل دو دیدگاه اجتماعی و شناختی در جمله شماره ۲

۳. «هیچ چیز مانند «نماز» بینی شیطان را به خاک نمی‌ساید؛ پس نماز بگزار و بینی شیطان را به خاک بمالان.» (همان: ۹۲)

شیطان یک مفهوم انتزاعی است که در این جمله به شکل موجود جاندار دارای اعضای بدن، مانند بینی، تصور شده است (طرح‌واره اعضای بدن). از طرفی ماهیت «نماز» به‌عنوان یک مفهوم انتزاعی دارای چنان نیرویی است که می‌تواند شیطان را شکست دهد (طرح‌واره نیرو). همچنین، با طرح‌واره تماس نیز مواجه هستیم؛ زیرا بینی شیطان (موجود انتزاعی و مجرد) در تماس با خاک قرار می‌گیرد و به اصطلاح به خاک مالیده می‌شود. از دیدگاه اجتماعی، این جمله حاوی یک پیام مذهبی است که در شأن و منزلت فریضه نماز از امام مهدی (عج) نقل شده است؛ بنابراین، با متغیرهای مذهب و منزلت روبرو هستیم. همچنین، در این

فارسی (کتاب ششم) در چارچوب زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی بررسی شوند. وجه تمایز مطالعه حاضر با بسیاری از پژوهش‌هایی که در زمینه تحلیل محتوای زبان‌شناختی کتاب‌های درسی انجام شده است، مانند لی (۲۰۱۶)، بنیادی (۱۳۹۴)، زندی و همکاران (۱۳۹۴)، این است که آنها تنها از یک جنبه (یا شناختی یا اجتماعی) کتاب را مورد بررسی قرار داده‌اند، حال آن‌که مطالعه حاضر، متون نوشتاری را از هر دو دیدگاه زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی مطالعه و تعامل دو دیدگاه را مورد بازنمایی قرار داده است.

یافته‌ها گویای آن هستند که در این کتاب از مجموع ۱۱۵۰ جمله، سازوکار ۴۳۰ جمله بر مبنای نظام‌های استعاری است. گرچه نسبت جمله‌های حاوی طرح‌واره شناختی به کل جمله‌های استخراج شده از درصد پایینی برخوردارند، تقریباً (۳۷٪)، اما بیشتر این مفهوم‌سازی‌ها و سازوکارهای ذهنی و شناختی (۹۴٪) به‌طور مستقیم در بستر دگرگونی‌ها و تنوعات اجتماعی تجلی یافته‌اند و تنها ۴٪ از این جمله‌ها به‌دلیل حسی و درونی بودن، فاقد متغیر اجتماعی بوده‌اند. به‌عنوان مثال، در جمله «در فکر فرو رفتم» گرچه با طرح‌واره تصویری حجمی مواجه هستیم، اما این طرح‌واره در تعامل با هیچ‌یک از متغیرهای اجتماعی نیست.

در این مطالعه، حضور مؤلفه‌های شناختی در کنار متغیرهای اجتماعی در سطح یک جمله، مؤید همگرایی و پیوند دو رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی شناختی است و این دستاورد در راستای آراء جانسون (۱۹۸۷)، کوچش (۱۳۹۳)، پوتز و همکاران (۲۰۱۲)، کرافت (۲۰۰۹)، گیرارتز و همکاران (۲۰۱۰) و کریستینسن و دیرون (۲۰۰۸) است، که مفهوم‌سازی را متأثر از بافت اجتماعی و فرهنگی و حاصل تعامل با محیط خارج معرفی می‌کنند و معتقدند معنا را می‌بایست در تعاملات و ارتباطات اجتماعی روزمره تعبیر کرد. همچنین، تعامل ۹۴ درصدی جمله‌های حاوی طرح‌واره‌های تصویری با متغیرهای اجتماعی، مؤید نتایج مطالعات پژوهشگرانی چون کولر (۲۰۰۸)، رابینسون (۲۰۱۰) و پوراابراهیم (۱۳۹۷) است، که همگی بر تعامل عوامل فرازبانی و درون‌زبانی در بروز معنا و پیوند رویکرد استعاره مفهومی با تنوعات محیطی و متغیرهای اجتماعی تأکید دارند. با این تفاوت که در پژوهش‌های نام‌برده، بافت‌های کوچکی چون یک صفت، یک جزء کوچک دستوری، یا یک فرایند صوتی مانند پیشین‌شدگی TH به‌عنوان واحد زمینه بررسی شده‌اند، درحالی‌که در پژوهش حاضر، واحد زمینه جمله کامل است.

نظام‌های اقتصادی، سیاسی و دولتی می‌توانند حوزه ساختمان را به‌عنوان مبدأ انتخاب کنند (کوچش، ۱۳۹۳: ۲۱۷-۲۱۸). در این جمله مفهوم انتزاعی شهادت و ماهیت واقعه کربلا دارای نیروی بزرگی هستند که می‌توانند این ساختمان (حکومت بنی‌امیه) را بلرزاند (طرح‌واره نیرو). حکومت چون شیئی است که می‌تواند تحت تأثیر نیرویی بلرزد (طرح‌واره شیء). همچنین با طرح‌واره فرایند نیز مواجه هستیم؛ مفهوم انتزاعی شهادت باعث دگرگونی و تغییر شده است (بدبینی و دشمنی). با طرح‌واره حرکت نیز مواجه هستیم؛ حکومت عباسیان به‌گونه‌ای تصور شده که گویی آماده حرکت بوده ولی در ابتدا سر راه آن مانعی قرار داشته است که واقعه شهادت امام حسین (ع) (با نیرویی که وارد می‌سازد) این مانع را برداشته و راه را باز کرده است. از دیدگاه اجتماعی، این جمله یک واقعیت تاریخی-مذهبی را بیان می‌کند. در عبارت «امام حسین (ع)» متغیرهای نام، جنسیت، مذهب، منزلت و نزاکت وجود دارد. علاوه بر این، با متغیر جغرافیا (کربلا)، متغیر تاریخ (حکومت‌های بنی‌امیه و عباسیان)، متغیر فرهنگ (شهادت) و قدرت نیز مواجه هستیم. بنابراین، طرح‌واره‌های تصویری شیء، نیرو، فرایند و حرکت در تعامل با متغیرهای اجتماعی تاریخ، مذهب، فرهنگ، نام، جنسیت، نزاکت، منزلت، قدرت، سیاست و جغرافیا هستند.



شکل ۵. تعامل دو دیدگاه اجتماعی و شناختی در جمله شماره ۵

## بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیقات کاربردی، به‌ویژه تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، برای رسیدن به نتایج دقیق و کاربردی می‌بایست از تحلیل‌های تک‌بعدی اجتناب نمود. در این پژوهش سعی شده است با استخراج و تعبیر نظام‌های استعاری و تحلیل آن در بستر زبان‌شناسی اجتماعی و بازنمود تعاملاتشان با متغیرهای اجتماعی، متون نوشتاری کتاب آموزش زبان فارسی به

بالای متغیر اجتماعی «مذهب» می‌تواند گویای نوع مخاطب، هدف از یادگیری زبان فارسی، فضای حاکم بر جامعه‌المصطفی‌العالمیه و سبک و نگرش نویسندگان باشد. نگارندگان این مقاله معتقدند با توجه به این که پژوهش حاضر نخستین گام در تحلیل اجتماعی-شناختی محتوای یکی از کتاب‌های فارسی بوده است، شایسته است تا پژوهشگران دیگر نیز با توجه به مؤلفه‌های شناختی و متغیرهای اجتماعی به تحلیل محتوای دیگر کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان بپردازند تا چگونگی همگرایی و تلفیق دو رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی شناختی در متون این کتاب‌ها نیز به تصویر کشیده شود.

باباسالاری (۱۳۹۴). تحلیل محتوای شناختی استعاره کارکردی در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال پانزدهم، شماره ۵۷، ۲۲-۷.

سبزواری، مهدی و فاطمه محمدی (۱۳۹۳). نقد زبان‌شناختی کتاب زبان فارسی مقطع متوسطه و مسائل آموزشی آن. علم زبان، دوره ۲، شماره ۳، ۶۱-۸۶. صفوی، کورش (۱۳۹۰). درآمدی بر معنی‌شناسی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سوره مهر. کوچش، زولتن (۱۳۹۳). مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره. مترجم: شیرین پورابراهیم. تهران: سمت.

مدرسی، یحیی (۱۳۹۱). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. مدرسی، یحیی و مظفری، شراره (۱۳۹۷). تأثیر نگرش گویشوران و کاربرد تنوعات گونه‌ای زبان فارسی در استان فارس: پژوهشی اجتماعی-شناختی. فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی. دوره ۲، شماره ۱، ۲۲-۵۰.

مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی (۱۳۹۵). آموزش زبان فارسی به فارسی (کتاب ششم). اشراف و نظارت علمی: سید محمود حسینی، قم. وارداف، رونالد (۱۳۹۳). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. مترجم: رضا امینی. تهران: بوی کاغذ.

با بررسی دقیق‌تر داده‌ها می‌توان گفت از میان ۶۳۰ طرح‌واره تصویری با انواع متفاوت، طرح‌واره‌های تصویری «جمعی» با ۱۱۲ مورد، «مجموعه» با ۹۶ مورد، «حرکت» با ۹۳ مورد، و «نیرو/قدرت» با ۶۳ مورد بیشترین ساختار استعاری را در بافت اجتماعی-شناختی مفهوم‌سازی کرده‌اند. و از میان ۷۲۰ متغیر اجتماعی، متغیرهای اجتماعی «مذهب» با ۱۲۰ مورد، «قدرت» با ۸۰ مورد، «همبستگی» با ۷۳ مورد و «جنسیت» با ۶۲ مورد بیشترین سهم را در جمله‌های اجتماعی-شناختی داشته‌اند. نکته قابل تأمل در این یافته‌ها، در بحث متغیر جنسیت است که از مجموع ۷۲ مورد، تنها ۴ مورد به زنان اختصاص یافته است و این میزان تفاوت، فضای مردسالار و تبعیض جنسیتی در ایران را به غیرایرانیان القا می‌کند. همچنین کاربرد

## منابع

اوانز، ویویان و ملانی گرین (۱۳۹۸). الف-ب زبان‌شناسی شناختی (ج. ۱). مترجم: جهان‌شاه میرزاییگی. تهران: آگاه. بنیادی، حمیده (۱۳۹۴). تحلیل طرح‌واره‌های تصویری در کتاب فارسی پایه هشتم با رویکرد معناشناسی شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور بوشهر.

پورابراهیم، شیرین (۱۳۹۷). نقش استعاره در تولید و درک نظام اجتماعی گفتمان نهج‌البلاغه: مطالعه موردی استعاره‌های حیوان بر مبنای نظریه زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی. فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، دوره ۲، شماره ۱، ۸۸-۹۸.

دبیرمقدم، محمد، فاطمه یوسفی‌راد، ویدا شقاقی و سید محمود متشرعی (۱۳۹۷). زبان‌شناسی شناختی-اجتماعی: رویکردی نوین به معنا و تنوعات زبانی. فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، دوره ۲، شماره ۲، ۲۰-۲۹. روشن، بلقیس و لیلا اردبیلی (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی. تهران: نشر علم.

زندى، بهمن و بهزاد احمدی (۱۳۹۷)، نام‌شناسی اجتماعی-شناختی؛ حوزه نوین مطالعات میان‌رشته‌ای. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۱ (پیاپی ۳۳)، ۹۹-۱۲۷.

زندى، بهمن، بلقیس روشن، حسین قاسم‌پورمقدم و زهرا

- Croft, W. (2009). Toward a social cognitive linguistics. In: V. Evans, & S. Pourcel (Eds.), *New directions in cognitive linguistics* (pp. 395-420). Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins.
- Geeraerts, D., Kristiansen, G., & Peirsman, Y. (Eds.) (2010). *Advances in cognitive sociolinguistics*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Heylen, K., Tummers, J., & Geeraerts, D. (2008). Methodological issues in corpus-based cognitive linguistics. In: G. Kristiansen & R. Dirven (Eds.), *Cognitive sociolinguistics: Language variation, cultural models, social systems* (pp. 91-128). Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Johnson, M. (1987). *The body in the mind: The bodily basis of meaning, imagination and reason*. Chicago: University of Chicago Press.
- Koller, V. (2008). Corporate brands as socio-cognitive representation. In: D. Geeraerts, G. Kristiansen, & J. A. Robinson (Eds.), *Advances in cognitive sociolinguistics* (pp. 389-418). Berlin: Mouton de Gruyter.
- Kristiansen, G., & Dirven, R. (Eds.) (2008). *Cognitive sociolinguistics: Language variation, cultural models, social systems*. Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Lakoff, G., & Jonson, M. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- Langacker, R. W. (1999). *Grammar and conceptualization*. Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Lee, J. F. K. (2014). A hidden curriculum in Japanese EFL textbooks: Gender representation. *Linguistics and Education*, 27(1), 39-53.
- Pires de Oliveira, R. (2001). Language and ideology: An interview with George Lakoff. In: R. Dirven, B. Hawkins, & E. Sandikcioglu (Eds.), *Language and ideology. V. (1): Theoretical cognitive linguistic approaches*, (pp. 23-48). Amsterdam, Philadelphia: Benjamins.
- Putz, M., Robinson, J. A., & Reif, M. (Eds) (2012). *Cognitive sociolinguistics; Social and cultural variation in cognition and language use*. Amsterdam, Philadelphia: John Benjamin's.
- Robinson, J. (2010). Awesome insights into semantic variation. In: D. Geeraerts, G. Kristiansen, & J. A. Robinson (Eds.), *Advances in cognitive sociolinguistics* (pp. 85-109). Berlin: Mouton de Gruyter.